

بررسی راهکارهای امنیت سیاسی بین الملل از منظر دین اسلام و قرآن

سید محمدیار هاشمی امیرسالاری

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد یاسوج

چکیده

امنیت، از جمله مهمترین نیازهای اولیه انسان محسوب می‌شود، که با رشد فزاینده روابط میان دولت‌ها و پیچیده تر شدن تعامل بین المللی، تأثیر راهکارهای امنیت سیاسی در روابط بین الملل بر تعامل کشورها یک امر غیر قابل انکار است. و لذا در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی سوال اصلی که راهکارهای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین الملل از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی چیست؟ پرداخته شده است. از نظر اسلام ارائه راهکارهای اعتقادی و بینش صحیح در میان جوامع، نخستین عامل در تأمین امنیت سیاسی روابط بین الملل است. راهکارهای ساختاری، متأثر از رفتار و اراده وی شکل می‌گیرد در این میان هرچه کارگزاری قوی تر باشد؛ اثر پذیری آن در برابر محدودیت‌ها محیطی کمتر و هر چه ضعیف تر باشد، اثر پذیری اش بیشتر خواهد بود. و نیز وفاداری بر راهکارهای رفتاری به عنوان یک سیاست و راهبرد بلند مدت، مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است. امروزه تراکم قدرت و افزایش ثروت در دست یک قطب جهانی، منشأ بزرگترین فسادها و ناامنی در روابط بین الملل است. اگر سایر کشورهای قدرتمند جهان در چارچوب منطق به گفتگو با کشورهای در حال توسعه و جهان سوم بپردازند، مطمئناً فاصله‌های موجود، بسیار کمتر می‌شود. و مقدمات ایجاد یک صلح پایدار، پایه ریزی خواهد شد و در نتیجه ناامنی کاهش می‌یابد. و امنیت سیاسی در روابط بین الملل تأمین می‌شود. توسعه امنیت سیاسی در سطح روابط بین الملل زمانی امکان پذیر است. که حریف‌های قدرتمند، از سکوی قدرت و نخوت فرود آیند. و در عرصه مساوات و منطق به گفت و گو بپردازند، هدفی که تحقق آن، بردباری، تلاش و مقاومت بسیار می‌طلبد.

واژگان کلیدی: امنیت سیاسی، رفتار، ساختار، بینشی، روابط بین الملل، سیاست، راهکار، قرآن کریم، روایات.

مقدمه، بیان مسئله

سیر تحول جوامع بشری حکایت از آن دارد که امنیت سیاسی در روابط بین الملل همچون کالای اساسی ارزشمندی است. که تمامی ملت‌ها و دولت‌ها در پی تحصیل و تقویت آن هستند. امروزه امت اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجهه است. دشمنان اسلام با اجرای طرح‌هایی در راستای تجزیه جغرافیایی، زبانی، قومیتی، مذهبی و حتی تاریخی می‌کوشند. هویت، فرهنگ و عناصر اصلی موجودیت این امت واحده را در مخاطره قرار دهند. پس از جنگ جهانی اول، با رشد فزاینده روابط میان دولت‌ها و پیچیده تر شدن تعامل بین المللی مطالعه پدیده‌های جهانی و بین‌المللی مورد توجه پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفت دست یابی به محیط بین‌المللی مسالمت آمیز، ایجاد و افزایش زمینه‌های همگرایی، جلوگیری از ایجاد بحران و جنگ از جمله اهداف مطالعه علمی روابط بین الملل محسوب می‌شد. امنیت را می‌توان از جمله مفاهیم بنیادینی به شمار آورد. که از حیث تبار شناسی، ریشه در شکل‌گیری اولین اجتماعات بشری دارد. به همین خاطر، اهمیت نظری و کاربردی آن آشکار و حجم متون و دیدگاه‌های ارائه شده درباره آن بسیار است. امنیت، ارزش و موقعیتی است که یک کشور به میزان کم یا زیاد می‌تواند از آن برخوردار باشد. اما هیچگاه هیچ کشوری نمی‌تواند؛ از امنیت تام بهره مند باشد. به ویژه در زمان ما وجود سلاح‌های هسته‌ای، به هیچ کشوری امکان نمی‌دهد؛ که امنیت مطلق داشته باشد، مگر آن که جوامع بین‌المللی، برای تأمین آن گام‌های حقیقی بردارند. امنیت را می‌توان در سه محور بینشی، ساختاری و رفتاری در روابط بین الملل مورد بررسی قرار داد. در حوزه بینشی، عمده‌ترین راهکار بینشی، راهبرد اعتقادی است. که در هیچ زمان یا مکانی تحت هیچ شرایطی قابل تغییر نیستند؛ و ریشه در فطرت انسان دارد؛ که در نحوه زندگی، عملکرد، انتخاب آنها موثر است.

در حوزه ساختار روابط بین الملل امنیت مربوط به بعد صوری و شکلی روابط میان کشورها است. که از سطوح روابط بین الملل، انواع ساختار، چگونگی شکل‌گیری و نحوه تغییر و تحول در ساختارها و چگونگی دستیابی به ساختار مطلوب بحث می‌کند. که به سه گروه ملی، منطقه‌ای و جهانی تقسیم می‌شود. و بر حسب سطوح سه گانه ملی، منطقه‌ای و جهانی، به سه سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان تقسیم می‌شود. و از لحاظ توزیع قدرت در روابط بین الملل به سه ساختار نظام بین المللی دو قطبی، چند قطبی و تک قطبی تقسیم شده‌اند در مجموع روابط بین الملل تحت تأثیر مهم‌ترین کارگزار خود یعنی انسان است و با عنایت به این که سیاست و قدرت در اختیار کدام انسان باشد. صحنه نظام بین المللی می‌تواند؛ دست خوش ثبات و آرامش یا منازعه و جنگ گردد. در فرهنگ اسلامی دو سنخ از انسان‌ها در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند، گروهی ضمن توجه به امور مادی به تهذیب و ارزش‌های انسانی و الهی را در خود باورساخته‌اند. و گروهی که ارزش‌های مادی در نظر آن‌ها ملاک انسانیت است؛ و جایگاهی برای معنویت قایل نیستند.

هر گونه پاسخ قابل مشاهده از انسان سر می‌زند را رفتار می‌گویند. و در حوزه رفتاری، انسان می‌تواند بدون به کار بردن هیچ کلامی و صرفاً با زبان بدن مفهومی را منتقل کند، تعلیم عملی، نافع‌تر از تعلیم زبانی است ارشاد

با گفتار صرفاً ارائه طریق می‌کند ولی عمل و الگوی بی‌زبانی، انسان را در مسیر هدف قرار می‌دهد.

روش انجام تحقیق

بدیهی است که روش علمی و پژوهشی باید متناسب موضوع و داده‌های آن باشد. و رقابت نظم و انسجام بحث را داشته باشد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد، و بر طبق منابع و مآخذ کتابخانه‌ای توصیف و تحلیل می‌شود.

امنیت

امنیت در لغت

افراد در برخورد، با واژه‌ها بیشتر، بر اساس اندوخته‌های ذهنی خود، آن را تفسیر می‌کنند، مگر در مواجهه با واژه‌های تخصصی که درباره‌ی آن‌ها هیچ اندوخته ذهنی ندارند. بیشتر افراد درباره واژه «امنیت» اندوخته ذهنی دارد. و تفسیرهای متفاوتی برای واژه «امنیت» دارند. برخی «امنیت» را «احساس آرامش» تفسیر می‌کنند، بعضی آن را «در امان بودن» می‌دانند. و عده‌ای «امنیت» را «صلح» می‌دانند. همه این برداشت‌های شخصی، از واژه «امنیت» هستند.

«امنیت» در لغت مصدر صناعی و جعلی است. که در قرآن کریم، به صورت مصدر جعلی استعمال نشده است. بلکه به همان معنای لغوی به کار رفته است. در تعریف مصدر صناعی می‌گوید؛ مصدری است، که از اضافه نمودن «یاء مشدد» و «تاء مربوطه» به آخر هر اسمی ساخته می‌شود و معنای آن صفت لازم آن اسم است، مانند انسانیت و جاهلیت که معنایش، صفت لازم جاهل است. در مورد «امنیت» نیز این واژه، مصدر جعلی است. که از افزودن یاء مشدد و تاء مربوطه به آخر کلمه «امن» ساخته می‌شود.

کلمه «امن» در لغت ضد خوف است. و در لسان العرب آمده است: «الامن: ضد الخوف» همچنین صاحب مفردات، این واژه را چنین معنا کرده است: «اصل الأمن طمأنینه النفس و زوال الخوف» با توجه به این معنا که خوف یک حالت درونی است، که در خارج پدیدار می‌گردد؛ همان گونه که اگر انسان حیوان درنده‌ای را مقابل خود ببیند؛ وجود این حیوان درنده به عنوان یک عامل تهدید کننده، باعث خوف می‌شود که یک حالت درونی است؛ امنیت نیز به قرینه مقابله یک حالت درونی است.

و نیز کلمات دیگری در قرآن هستند که به معنای «امنیت» به کار رفته اند. و آن واژه‌های مشابه و نزدیک به «امنیت» عبارت اند از:

۱- «امانت» نیز از همین کلمه گرفته شده اند، منتهی امانت در مقابل خیانت است. یعنی کسی که چیزی را نزد دیگری به امانت می‌گذارد از عدم خیانت او اطمینان دارد.

۲- «ایمان» دارای معانی مختلفی است که با توجه به استعمالات واژه ایمان و با مراجعه به کتب اهل لغت مشخص

می شود. که معنای حقیقی این واژه تصدیق و عقد قلبی می باشد.

۳- قیاما»)) به معنای «امنیت» و آرامش آمده است. چنان که در سوره مائده می فرماید: ع «لَ اَللهِ الْکعبه
البيت الحرام قیاما للناس»

۴- واژه «سلم» نیز بسیار نزدیک به امنیت است. و در لغت، به معنای انقیاد در برابر فرمان الهی، آشتی، صلح، ایمنی و سلامت آمده است. که با امنیت تناسب ویژه ای دارد؛ به این معنی که اسلام پیش از هر چیزی، برای گروندگان، امنیت به همراه داشته است.

امنیت در اصطلاح

واژه «امنیت» تا اواخر دهه ۱۹۸۰ واژه ای توسعه نیافته بوده و دلیل این امر به نبود و یا کمبود متون تخصصی پیرامون این واژه باز می گردد. تنها پس از این زمان است، که شاهد ارائه دیدگاههای مختلفی در ارتباط با امنیت می باشیم، که به توسعه یافتگی آن منتهی شده است.

بر خلاف معنای لغوی، در اصطلاحی، برای امنیت اجماعی وجود ندارد و مشاهده می شود که تعاریف اصطلاحی متفاوت و حتی متعارضی از امنیت ارائه شده که ادعای وجود اجماع را نزد نخبگان این حوزه راضع می نماید. با یک بررسی اجمالی مشخص می شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنا و بعضا از نظر زبان شناختی) از امنیت ارائه شده، که در گذر زمان در حال افزایش می باشد. اگر چه این رشد و توسعه معنا شناختی، شاخصی برای توسعه مفهومی واژه امنیت می تواند باشد، اما نمی توان منکر این واقعیت

شد که رسیدن به تصویری واحد از آن را با دشواری مواجه کرده است، ولی با ورود به عرصه نظریات دانشمندان سیاسی و متخصصان امنیت، ما را به این امر واقف می سازد. که این اختلاف نظر، در مورد تعریف امنیت به صورت نسبی همه جا وجود دارد. و هر دانشمندی، از زاویه ای جداگانه به واژه امنیت نگر یسته و بر اساس همان زاویه تعریفی را ارائه کرده است. امنیت در اصطلاح برخی از اندیشمندان، به معنای فقدان تهدید امنیت به کار رفته است.

برخی از صاحب نظران علوم سیاسی از جمله ولفرز «امنیت» را چنین معنا نموده است، «امنیت» در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از این که ارزش های مزبور مورد حمله قرار گیرد.

همچنین از دیدگاه جان مروز: «امنیت» عبارت است از آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک. نقد تعاریف ولفرز و جان مروز: تعاریفی که آنها ارائه دادند بر اساس جهان بینی آنها است. آنان نگاهشان به دنیا مادی است و «امنیت مطلوب» را تا زمان مرگ انسان، معرفی می کنند. بدیهی است که با چنین جهان بینی «امنیت» محدود می شود. ما به عنوان مسلمان معتقدیم: که پس از مرگ عالم برزخ و قیامت وجود دارد. و در قیامت اعمال انسان بررسی می شود. بنابراین در برنامه ریزی برای امنیت، دنبال یک امنیت همه جانبه هستیم ما معتقد به قیامت و حیات پس از مرگ و میزان الهی هستیم. و روشن است که با این بینش و اعتقادات، تعاریف یاد شده نمی تواند

نظر ما را در مورد «امنیت» تأمین کند.

تعریف برگزیده:

«امنیت» یعنی خوف از دست دادن آنچه را که به صورت طبیعی و خدادادی دارد، یا می‌خواهد به طریق عادلانه به دست آورد را نداشته باشد.^۲ برای ارائه این تعریف نکته‌های ذیل مد نظر بوده است:

۱- جامعیت این تعریف شامل همه ابعاد امنیت، مانند فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌شود. دلیل دیگر جامعیت این تعریف آن است که نه تنها به دارایی‌های فعلی هر شخص اشاره دارد، بلکه نیازهای او نیز مد نظر بوده است.

۲- عدم ابهام در این تعریف، سعی شده است که ابهامی وجود نداشته باشد، از باب نمونه وقتی سخن از تأمین نیازها به میان می‌آید. بر این نکته تأکید می‌شود که این تأمین از طریق عادلانه باشد.

۳- دقت و تأکید بر دارایی مشروع و طریق عادلانه برآوردن نیازها.

سیاست

سیاست در لغت

مفهوم لغوی «سیاست» واژه‌ای است عربی، که از ریشه «ساس- یسوس» گرفته شده است. معانی آن در فرهنگ نامه‌ها عبارتند از: حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، پرداختن به امور مردم، نگهداری و حراست، امر و نهی، پرورش و پروراندن و اداره امور داخلی و خارجی کشور. واژه «سیاسی» به عنوان قید امنیت، اسم منصوبی است که از افزوده شدن «یاء نسبت» به واژه «سیاست» ساخته شده است.

سیاست در اصطلاح

پیشینه‌ای تفکر سیاسی در غرب از یونان آغاز شد، به عنوان یک رشته آموزشی عالی تا حدی نو، و طی صد سال گذشته رشد یافته است؛ از نظر یونانی‌ها «سیاست» دانشی است که مربوط به امور یک شهر بود، اما در یونان شهر و دولت از هم جدایی ناپذیر بودند. یونانی‌ها در جاهای زندگی می‌کردند که امروزه آنها را «شهر - دولت» می‌نامیم. هر شهر - دولت، یک، حومه و اراضی اطراف آن را در بر می‌گرفت تنها دربر گیرنده «شهر» نبود، بلکه به معنی «دژ»، «دولت» و «جامعه» هم به کار می‌رفت.

مفهوم پذیرفته شده و به کار رفته امروزین «سیاست» از مفهوم علم سیاست فراتر می‌رود. و به گفته بعضی از دانشمندان که می‌گویند: «(سیاست» از حقوق غیر قابل اجتناب زندگی بشر است و انسان‌ها در هر لحظه از زمان به نوعی با مسائل سیاسی درگیر می‌باشد.

عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که علم سیاست، به صورت مفرد، وجود ندارد. بلکه همه علوم اجتماعی که با کارهای جامعه سازمان یافته بشری سرو کار دارد، با نام «علوم سیاسی» خوانده می‌شود و علم سیاست یکی از آنها است. ولذا تعاریف مختلف از سوی دانشمندان ارائه شدند که در این جا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مفهوم اساسی «سیاست» قدرت است.

۲- «سیاست» حکومت کردن بر انسان‌ها یعنی در مورد کسانی که حکومت می‌کنند و کسانی که بر آن‌ها حکومت

می شوند، میان فرمانروا و فرمانبردار، بحث می‌کند.

۳- «سیاست» یعنی دانستن این که: چه کسی می‌برد، چه می‌برد، چه موقع می‌برد، چگونه می‌برد، و چرا می‌برد.
۴- فعالیت‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت، و استفاده از قدرت دولت همراه است.

۵- اگر بخواهیم تعریفی فراگیر از سیاست در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم آن را چنین تعریف کنیم: «سیاست» رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور، و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی گفته می‌شود.
به طور کلی سیاست به هر نوع تدبیر، فعالیت، تعمق، تفکر و اقدام فردی و جمعی در جهت کسب قدرت و به عهده گرفتن اداره امور کشور به نحوی که جامعه و افراد آن در مسیر تحقق آمال و خواسته‌های خویش قرار گیرند، اطلاق می‌شوند. براین اساس با تأکید بر این که تعاریف مذکور مانند بسیاری از تعاریف‌های دیگر اشتباه نیستند و هر کدام به بعد یا ابعاد از سیاست اشاره دارند.
تعریف برگزیده:

«سیاست» هر گونه تدبیر و فعالیت در عرصه‌های مربوط به اداره و مدیریت جامعه است. ویژگی این تعریف در مقایسه با تعاریف قبل این است که از جامعیت برخوردار است، زیرا هم به تدبیر و اداره جامعه اشاره دارد و هم به فعالیت‌های سیاسی مردم.

سیاست از نگاه «شهید صدر» مهمترین وظیفه انسان در مسیر تحقق خلیفه الهی ایجاد برقراری نظام سیاسی و اجتماعی سالم و صالح است. لذا انقلاب‌های پیامبران نیز با هدف اساسی ایجاد نظام سیاسی صالح صورت گرفته است تا این سیاست برین «السیاسة العلیا» را عملاً اجرا کند.

پیامبر اکرم (ص) نیز رهبر سیاسی و اجتماعی امت را در کنار وظائف دیگرش «ابلاغ و حفظ رسالت» بر عهده داشت و امامان معصوم (ع) هم استقرار حرکت و قیادت سیاسی و اجتماعی پیامبر را تحقق بخشیدند: «مواصله القيادة السیاسة و الاجتماعیه للتجربة اللتی خلفها النبی^(ص)» سیاست مفهوم گسترده و دقیق و پرمعنایی دارد، که بر صداقت و راستی متکی است، چنین سیاستی، وسیله هدایت انسان و جامعه انسانی است و هدف دنیوی و اخروی دارد. از این دیدگاه پیامبران هم عالم به سیاست هستند. و هم مسئولیت تحقق سیاست را در جامعه به عهده دارند.

عبارت است از سامان دادن کارها به سمت هدف از پیش تعیین شده است. این هدف، همان سعادت قصوا است که مقدمات وصول به آن، در دنیا فراهم می‌گردد، از این رو است که در عالم اسلام معرفت‌شناسی، غایت محور، فضیلت محور و در یک کلام هدایت محور است.

روابط بین الملل

بشر دارای رابطه‌ای اصیل با جهان است. که مبانی محوری آن با تفاوت زمان و مکان‌ها دگرگون نمی‌شود و حقوق

طبیعی انسان‌ها نیز بر همین رابطه، استوار است. روابط بین‌الملل اصطلاحی است فراتر از مرزها و دولت-ملت است. که برای مشخص ساختن تعاملات کنشگران و رابطه یک قدرت هژمون با کشورها و سازمانهای دولتی و غیره که به عنوان بازیگران، تأثیر گذار نظام جهانی می باشد و نشان دهنده نوع مبادله سیاسی در روابط بین‌الملل می‌باشد. رایج ترین تعریفی که برای روابط بین‌الملل شده است. عبارت است از: «مجموعه اقدامات و کنش های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و روندهای سیاسی میان ملت‌ها که به آن روابط بین‌الملل گفته شده است.»

تاریخ روابط بین الملل گواه صادقی بر قدمت روابط بین الملل اسلامی است که در دوره های مختلف تاریخ تحولات اسلام وجود داشته است و نقش اسلام در ایجاد و گسترش روابط بین الملل در زمان ظهور اسلام و روابط میان قبایل عرب و دولت های مجاور آن مانند حبشه، غسان و کشور سبا و نیز روابط دو امپراطوری بزرگ ایران و روم قابل تحسین است.

پیامبر اکرم (ص) در نخستین اقدامات سازنده خویش تلاش کرد روابط قبایل عرب را که هر یک به عنوان واحد سیاسی مستقل بودند را بر اساس اصل حسن نیت از قبایل عرب، قدرت سیاسی ساخت و از ابتکارات شایسته پیامبر اکرم(ص) فرستادن سفیر و پیام های دوستانه به دولت های همسایه بود که در ایجاد و توسعه روابط صلح آمیز بین الملل نقش به سزایی داشت.

امنیت سیاسی

امنیت سیاسی، از ضرورت های زندگی اجتماعی انسان است. که بدون تأمین آن، انسان ها از بسیاری نیازهای اولیه خود محروم می شوند. لذا تعاریف زیادی از طرف دانشمندان در مورد «امنیت سیاسی» مطرح شده است که ، نخست به نقل چند تعریف از امنیت سیاسی می‌پردازیم و در ادامه تعریف برگزیده را ارائه می‌دهیم:

۱- امنیت سیاسی، به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش می‌باشد.

۲- امنیت سیاسی یعنی: ناظر بر ثبات سازمانی دولتها و سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژیهایی که به آنها مسئولیت می‌بخشد.

۳- امنیت سیاسی یعنی: مصونیت یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروعش می‌باشد. تعریف برگزیده:

با الهام از تعریفی که برای امنیت مطرح گشت، امنیت سیاسی وضعیتی است که افراد جامعه خوف از دست دادن حقوق و آزادی های سیاسی را که بر اساس عدالت برای آن ها مشخص شده و دارا هستند، نداشته باشند. و بتوانند حقوق و آزادیهای سیاسی را که بر اساس عدالت مشخص گردیده، به صورت عادلانه تأمین کنند. ویژگی این تعریف عبارت است:

الف) جامعیت: در این تعریف هم به بعد سلبی و هم به بعد ایجابی امنیت اشاره شده است.



ب) تبیین منشأ فعالیت های سیاسی: در این تعریف عدالت به عنوان منشأ حقوق و آزادیهای سیاسی آمده و با این کار از بیراهه رفتن بحث جلوگیری شده است.

ج) اشاره به عدالت: در این تعریف یک ملاک جامع برای تأمین حقوق آزادیهای سیاسی به عنوان عدالت مشخص گردیده است.

ب: کلیات

اقسام امنیت

انسان موجودی، اجتماعی است. که لازمه آن، معاشرت با دیگران است. و روابط گوناگون اجتماعی، همواره زمینه اصطکاک و تجاوز به حیات مادی و معنوی افراد را فراهم کرده است. بدین ترتیب، امنیت به عنوان یک نیاز اساسی اجتماعی و سیاسی برای هر انسانی، ضرورتی گریز ناپذیراند. امنیت، مایه آرامش دل است. آسودگی از هر چیزی که این آرام بودن را از بین خواهد برد. و مومن از این رو مومن است. که دلش به یاد و اعتماد به خدا، آرام است. مردم یک سرزمین برای داشتن زندگی سالم باید امنیت داشته باشند و خاطرشان از زدایش این امنیت از جانب هر شخص یا گروه یا حادثه ای جمع باشد.

ترس، وحشت، اضطراب و استرس های عصبی و... بر اثر نبود یا کمبود امنیت، زندگی بشر را به خطر می اندازد. امنیت، عنصر ارزشمندی است که می توان به جرئت، آن را مساوی با زندگی دانست و نبود آن را برابر فروپاشی زندگی انسانی برشمرد. واقعا هر انسان آزاد اندیشی اعتراف می کند که جامعه ای که هر ساعت و هر لحظه، سایه شوم خطری را بر بالای سر خود احساس می کند، از زندگی، مزه ای جز تلخی در کام جان خود نمی یابد. امنیت، گرچه گوهری است که قدرش دانسته نمی شود. ولی همه از خدشه دار شدن آن ناراحت می شوند؛ زیرا به فرموده امام علی (ع) امنیت گواراترین نعمت در زندگی است.

اما وظیفه دولت ها با همه امکانات و قوای نظامی و انتظامی و نیز وظیفه سازمان های جهانی عهده دار امنیت جهانی این است که به دور از نگرش های سیاسی و منافع حزبی و گروهی و منطقه ای، در صدد حفظ امنیت و آرامش جامعه بشری برای ایجاد یک زندگی سالم باشند. سازمان ها و دولت ها در به ثمر رسیدن این مهم نباید از انجام دادن هیچ کاری دریغ ورزند. زیرا نبود امنیت در یک جامعه موجب بروز انواع تهدیدهای مخرب خواهد بود.

نخستین بار طرح ایده امنیت مشترک بین المللی به اوایل دهه ۱۹۸۰ باز می گردد که توسط گزارش کمیسیون پالمه صلح استکهلم مطرح شد. به تعبیر دیگر مجموعه ای از دیدگاه های عمومی و کلی است. یعنی همکاری به جای رقابت و اتفاق عملی به جای خوداتکایی در تحصیل امنیت و ثبات جهانی که بر اساس ایده مشترک، زندگی بهتر را در امنیت و رفاه مشترک امکان پذیر می داند و رفاه مشترک را هدف خود می داند. براساس آن ایده، مفهوم

«امنیت» فراتر از امنیت نظامی و سرزمینی است. و باید توجه داشت که بر اساس مفهوم عمیق امنیت هدف مرجع امنیت تنها به دولت محدود نمی‌شود، بلکه تمامی بشریت، را دربر می‌گیرد. وقتی به واژه «امنیت» می‌نگریم این نکته فهمیده می‌شود، که امنیت معنای وسیعی دارد و همه ابعاد زندگی انسان را فرا می‌گیرد و تمام انواع امنیت مراد است اگر از یک جهت «امنیت» باشد و از جهات دیگر ناامنی باشد، در این صورت امنیت ناقص خواهد بود.

پس امنیت یعنی آنچه انسان دارد مورد تهدید قرار نگیرد و از او سلب نشود، این معنای کلی همه جانبه در مورد «امنیت» است و دارای جنبه‌های گوناگون می‌باشد، که در این جا به چند مورد آن اشاره می‌گردد:

امنیت نظامی

امنیت نظامی را می‌توان، به صورت نبود تهدیدات نظامی خارجی و داخلی علیه ارزش‌های مادی و معنوی یک کشور و عدم احساس ترس از تهدید تعریف کرد. به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در دفع و از بین بردن حمله نظامی است.

امنیت سیاسی

عوامل و تحولات مختلفی در عرصه بین‌المللی از طریق مداخلات خارجی و افزایش آسیب پذیری های داخلی موثر محقق می‌گردد، یا با ایجاد شکاف بین دولت و ملت از طریق سلب حمایت و رضایت ملت از حکومت، تضعیف اراده و روحیه ملی و ناکارآمدی دولت‌ها در تأمین مطالبات مردم می‌تواند امنیت سیاسی کشورها و روابط بین‌الملل را تهدید کنند. زیرا ثبات سازمانی و ساختاری کشورها، معطوف به روابط و تعاملات بین‌المللی می‌باشد.

امنیت فرهنگی

فرهنگ و ارزش‌های مشترک، از جمله عوامل قوام هر کشور هستند. که امروزه اکثر نظام‌های سیاسی در کنار دیگر عوامل گسترش، حفظ ارزش‌های دلخواه خود را جزء اهداف و منافع ملی به شمار می‌آورند. با چنین برداشتی، عواملی که به تضعیف یا نابودی این ارزش‌ها و فرهنگ مشترک می‌انجامد، باید جزء تهدیدات اجتماعی و فرهنگی امنیت تلقی شود، روی هم رفته مسایل گوناگونی مانند اعتیاد، رسوخ فرهنگ بیگانه، تغییرات سریع و بی‌رویه، جمعیت، ضعف فرهنگ خودی در چالش با مسایل نوین اجتماعی، مهاجرت های گروهی اجتماعی و فرهنگی، در صورت برخورداری از دو عامل فراگیری و پیوستگی می‌توانند امنیت ملی هر کشوری را در معرض خطر قرار دهند. قرابت و رابطه نزدیک بین امنیت اجتماعی و سیاسی وجود دارد، ولی این دو از یکدیگر متمایز و متفاوت هستند. امنیت سیاسی منحصراً معطوف به حفظ ثبات سازمانی دولت می‌باشد، در حالی که هدف امنیت اجتماعی مردم و ملت است نه اقتدار دولت. که در مجموع می‌توان امنیت اجتماعی و فرهنگی را به دو بخش تقسیم نمود:

الف) امنیت داخلی: انحرافات اجتماعی، چه به مثابه تهدید که به عوامل بیرونی مربوطند و چه به مثابه آسیب پذیری که معطوف به یک سلسله عوامل درونی در سازوکارهای اجتماعی می‌باشند، عامل تهدید کننده امنیت اجتماعی محسوب می‌شود. آنچه امروزه امنیت بسیاری از کشورها را مورد چالش قرار داده و باورها، ارزش‌ها و

نهادهای فرهنگی و هویتی جوامع را به خطر انداخته، تهدیدی است که جنبه سخت افزاری ندارد. و مسبوق به تغییر بنیادی و سریع در عرصه ارتباطات به نام انقلاب اطلاعات بوده و جوامع آسیب پذیر را از داخل با نوعی ناامنی مواجه کرده است. به هر حال انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتارهای نامناسب مانع تحقق یکی از اهداف اساسی امنیت یعنی حفاظت از ارزش های بنیادین و حیاتی نظام فرهنگی جامعه است.

ب) امنیت خارجی: تهاجم فرهنگی، ظهور پدیده‌ای (تهدیدات خارجی) به نام جهانی شدن، خصوصاً در حوزه فرهنگ و اجتماع، نوعی ناامنی جهانی را برای بشری به ارمغان آورده است. چراکه هویت فرهنگی، دینی جوامع و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی آنان از سوی فرهنگ غربی تهدید می‌گردد. به عبارت دیگر، جهان آینده صحنه کار دو پدیده، جهانی شدن و هویت خواهد بود.

امنیت اقتصادی

با توجه به جایگاه والا‌یی که امروزه اقتصاد در زندگی انسان‌ها یافته، تهدیدات اقتصادی از اهمیت روزافزونی برخوردار شده‌اند در بسیاری از کشورها، رفاه اقتصادی به عنوان هدفی متوسط که در درجه دوم اهمیت قرار داشت، ولی فعلاً به عنوان یک هدف حیاتی تبدیل شده است. بر همین اساس هر تحول اقتصادی که این کشورها را از اهداف اولیه آن‌ها دور می‌سازد، به مثابه تهدیدی علیه امنیت آنان ارزیابی می‌گردد. علاوه بر آن، حتی در کشورهایی که رفاه اقتصادی یک هدف حیاتی نیست، چون پایداری و ثبات هر نظام سیاسی منوط به برخورداری از پشتیبانی مالی و اقتصادی است، تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی برای آن‌ها نیز تهدیدی جدی علیه امنیت به شمار می‌آید. اما باید اذعان داشت که تهدیدات اقتصادی، هم‌چون تهدیدات سیاسی یا نظامی مستقیماً بر تغییر ایدئولوژی یا اساس فیزیکی یک کشور، دلالت نمی‌کند. سقوط پیوسته پول رسمی یک کشور، کمبود منابع و مواد اولیه به شکلی که تهیه آن‌ها امکان پذیر نباشد، جابه جایی‌های شدید اقتصادی، نفوذ و سیطره سرمایه داران خارجی و شرکت‌های چند ملیتی بر نظام اقتصادی کشور از تهدیدات اقتصادی هستند که اگرچه به طور مستقیم امنیت کشورها را تهدید نمی‌کند اما می‌توانند تهدیدات دیگر را تشدید نمایند.

تحریم‌های اقتصادی و اعمال مجازات‌های اقتصادی علیه کشورها یکی از مصادیق جنگ اقتصادی است که به منظور محروم و محدود ساختن توان اقتصادی آن‌ها می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی آمریکا مثلاً از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در اثر فعالیت‌های هسته‌ای، علیه جمهوری اسلامی ایران نمونه بارز تهدید و ناامنی اقتصادی است؛ برای نمونه، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هر دو دسته از تهدیدات کار گذاری و ساختاری مواجه است.

امنیت زیست محیطی

به علت تهدیدات و چالش‌های فزاینده و شدید در ابعاد دیگر امنیت ممکن است در بعضی از کشورها، همانند کشورهای در حال توسعه، به این بعد از امنیت توجه کافی صورت نگیرد. در حالی که آسیب‌ها و خطرهای ناشی از تخریب و نابودی در محیط زیست می‌تواند در بردارنده تهدیدات وجودی برای دولت‌ها، ملت‌ها و تمامی بشر باشد. بر پایه این ب عد از امنیت نیز می‌توان معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی آن استنتاج و استخراج کرد: میزان

موفقیت و مشارکت در مذاکرات، معاهدات و نهادهای بین‌المللی در زمینه حفظ محیط زیست مانند پیمان کیوتو، دستاوردهای کشورهای در حل و فصل مدیریت مناقشات و منازعات ناظر به محیط زیست و منابع طبیعی، جلب اعتماد و اطمینان همسایگان مبنی بر امنیت نیروگاه‌های هسته‌ای زیرا، نشت مواد رادیواکتیو و تشعشعات هسته‌ای نیروگاه‌های هسته‌ای، مانند چرنوبیل، می‌تواند امنیت جوامع بشری را به‌شدت تهدید کند.

چنان‌که روایتی در اصول کافی آمده است: «ثلاث ملعون من فعلهنّ: المتغوط فی ظلّ النّزال و المانع الماء المنتاب و السادّ الطّریق المسلوک» از رحمت خدا سه دسته بی‌بهره‌اند: آن دسته که محیط زیست را آلوده کنند؛ آنها که مردم را از آب نوبه‌ای که به ایشان تعلق دارد، محروم سازند و کسانی که راه آمد و شد آزادانه دیگران را ببندند. این‌گونه تعالیم هرگز به مسلمان محدود نمی‌شوند. حتی مسلمانان مجاز نیستند که هیچ‌یک از این قبیل کارها را به زیان غیر مسلمان مرتکب شوند.

نتیجه‌گیری

از ابتدای شکل‌گیری زندگی انسان‌ها، امنیت قبل از آنکه در قالب اندیشه انسانی یا قوانین قرار گیرد امری طبیعی بوده و خداوند در وجود هر انسان نیروی تأمین‌کننده آن را قرار داده است. سه نظریه رئالیسم، ایده آلیسم و نظریه اسلامی هر یک با توجه به زوایه دید خود راهکارهایی برای تأمین امنیت ارائه دادند. که در این تحقیق، راهکارهای تأمین امنیت سیاسی در روابط بین‌الملل، در نظریه بین‌الملل اسلامی، با سه رویکرد بینشی، ساختاری و رفتاری مورد بحث قرار گرفته است. نظام اسلامی از یک سو از حاکمیت قوانین فطری انسان و عادلانه سخن می‌گوید و روابط مبتنی بر زور و سلطه را که بر اساس تسلط قدرت‌های بزرگ حاکم شده را به چالش می‌کشد و خواستار برقراری نظام عادلانه جهانی است و از سویی دیگر برای جلوگیری از ناامنی و برقراری صلح و ثبات از قراردادهای و تعهدات بین‌المللی و مشارکت ملت‌ها و نهادهای بین‌المللی بر اساس اصل برابری، عدالت و احترام متقابل حمایت می‌کند.

اصل «عدالت» جزء تفکیک‌ناپذیر قدرت سیاسی است و مبنای تعهد سیاسی و اجتماعی افراد در اطاعت از دولت و قوانین محسوب می‌شود به تعبیری جامع‌ترین غایت سیاسی شمرده می‌شود و در بین شیعیان دین و سیاست تفکیک‌ناپذیرند و حکومت در خدمت دین و اهداف متعالی آن قرار دارد.

امروزه، شناخت محیط بین‌المللی، نه تنها برای دولتمردان، بلکه برای دیگران هم ضروری است زیرا اولاً_ سرنوشت آنها به همان نسبت که متأثر از وقایع و رخ‌دادهای درون جامعه است، از شرایط نظام جهانی نیز تأثیر می‌پذیرد ثانیاً با توسعه یافتن روابط بین‌الملل و تجربه‌های ناگوار جنگ، این واقعیت را آشکار ساخت که سرنوشت جوامع ارتباط ناگسستنی با یکدیگر دارد و بدون تفاهم و همکاری نمی‌توان از تجاوز قدرت‌های خودکامه مصون ماند.

در مجموع روابط بین‌الملل تحت تأثیر مهم‌ترین کارگزار خود یعنی انسان است و با عنایت به این که سیاست و قدرت در اختیار کدام انسان باشد صحنه نظام بین‌المللی می‌تواند دست‌خوش ثبات و آرامش یا منازعه و جنگ گردد. به همین دلیل اسلام قبل از ارائه هر گونه راهکار برای تأمین آن، دستور به اصلاح اعتقادات بینش داده زیرا

تا بینش و جهان بینی افراد اصلاح نشود رفتارهای انسان تغییر اساسی پیدا نمی‌کند. عمده ترین راهکار بینشی، راهبرد اعتقادی است. اصول عقاید همچون توحید، نبوت، معاد اموری تحول ناپذیرند و در هیچ زمان یا مکانی تحت هیچ شرایطی قابل تغییر نیستند، اصول عقاید فقط یک باور صرف نیست بلکه مبنای یک الگوی کامل و برنامه جامع برای انسانی زیستن است که ریشه در فطرت انسان دارد که در نحوه زندگی، عملکرد، انتخاب آنها موثر است.

نظام سیاسی، مهم ترین رکن در ادله یک کشور به شمار می رود و تمام تلاش ها برای حفظ آن به کار بسته می شود. هر کشوری، سعی در داشتن نظام سیاسی ای قدرتمند و مستقل دارد. زیرا قدرت و اقتدار یک دولت بهترین ابزار برای نفوذ در میان ملل دیگر و همسویی آنان با سیاست های جهانی آن دولت و پیشبرد اهداف ملی و فرا ملی آن می گردد.

توسعه عدالت سیاسی و اجتماعی، پیش گیری از جنگ و تجاوز و تأمین صلح و امنیت جهانی، در صورتی امکان پذیر است که همه کشورها به تعهدات و قراردادهای بین‌المللی پایبند باشند. فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفای به عهد و پیمان ایجاد زمینه ای بر همزیستی و زندگی مسالمت آمیز است.

یکی از راههای فراهم سازی صلح و امنیت در روابط بین الملل جهانی بدون تردید، گفت و گوی مسالمت آمیز کشورهای اسلامی با دیگر کشورها است که می‌تواند یکی از عوامل پیشرفت اسلام و هدایت جهانیان نیز به حساب آیند. وقتی مسلمانان بتوانند مشکلات خود را در سایه مذاکره با غیر مسلمان حل کنند به طریق اولی قادرند که مشکلات بین خودشان را با مذاکره و گفت و گو مسالمت آمیز حل و فصل کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابن سعد، کاتب واقدی، محمد، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۴۰۱ ق. ۳. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، ج ۶، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن هشام، محمد، زندگی حضرت محمد(ص)، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، سال ۱۳۶۶.
۵. احمدی میانجی، علی، مکاتب الرسول، تهران، دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. آلبرکلیار، کلود، ترجمه: هدایت الله فلسفی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای روابط بین‌الملل، شماره ۳۵۰، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۷. انصاری، مرتضی، المکاسب، تبریز، ۱۳۷۵.
۸. اخوان کاظمی، بهرام، عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶. ۹. اسحاقی، سید حسین، اصالت، جاوید، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۰. آقایی، سید داوود، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر نیکان، سال ۱۳۸۲. ۱۱. _____، دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
۱۲. _____، دکتترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی در صحیفه سجادیه، فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. افتخاری، اصغر، امنیت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۱۴. آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر، ۱۳۶۳.
۱۵. ایوانز، گراهام و نونام، جفری، ترجمه مشیرزاده، حمیرا، شریفی، حسین، فرهنگ روابط بین‌الملل، ۱۶. باقری، فردین، عدالت اجتماعی در گستره جهانی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵. ۱۷. بزرگی جهان، وحید، امنیت در نظام سیاسی اسلام، (اصول و مولفه‌ها)، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۱۸. بوزان، باری، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، اسلام و حقوق بشر، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۸.
۱۹. _____، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، مردم و دولت‌ها و هراس، تهران، ۱۳۷۸. ۲۰. پور احمدی، حسین، مقدمه‌ای بر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.
۲۱. جعفری، محمد تقی، حقوق جهانی بشر، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶. ۲۲. جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۶۷.
۲۳. _____، ترجمه: و تفسیر نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸. ۲۴. جوادی آملی، عبد الله، نسبت دین و دنیا، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
۲۵. _____، روابط بین‌الملل در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸. ۲۶. _____، تفسیر انسان به انسان، قم، نشر

- اسراء، ۱۳۸۵. ۲۷. _____، فلسفه حقوق بشر، قم، نشر اسراء، س ۱۳۷۷.
۲۸. جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین‌المللی، قم، انتشارات تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمولوژی حقوق، تهران کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
۳۰. حلبی، علی اصغر، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۲. ۳۱.
- حقیقت، سید صادق، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۲. _____، اصول عدالت سیاسی، مجله نقد و نظر ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۳۳. حکیم، محمد باقر، ترجمه عبد الهادی فقهی زاده، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، انتشارات تبیان، ۱۳۷۷.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق. ۳۵. حسنی، حسن، حقوق تعاونیه، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۸.
۳۶. حرانی، حسن بن شعبه، ترجمه احمد جنتی، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق. ۳۷.
- حمید الله، محمد، مجموعه الوثائق السیاسیه للعهد النبوی و الخلافه الراشده، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. _____، ترجمه: محقق داماد مصطفی، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۹. خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین‌الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، س ۱۳۷۵. ۴۰. خدوری، مجید، ترجمه غلامرضا سعیدی، جنگ و صلح در قانون اسلام، بی‌جا، اقبال، ۱۳۳۵. ۴۱. _____، ترجمه مصطفی یونسی، برداشت مسلمانان از عدالت، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۴. ۴۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ج ۲، ج ۴، ج ۱۳.
۴۳. خانی، عبدالله، دیپاچه‌ای بر قانون امنیت ملی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۴۴. دوئرتی، جیمز، و فالتزگراف، رابرت، ترجمه بزرگی، وحید، طیب، علی رضا، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، س ۱۳۸۴.
۴۵. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، ۱۳۹۳، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، تهران، ۱۳۹۳.
۴۶. _____، ضرورت و الزامات منطقه‌گرایی در تحقق برتری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، نگرش راهبردی، شماره ۸۷، ۱۳۸۶.
۴۷. _____، مبانی نظری نظریه اسلامی، روابط بین‌الملل، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.
۴۸. درودگر، محمد جواد، اصول اخلاقی در مدیریت نبوی، فصل نامه حکومت اسلامی، ش ۴۲، زمستان ۱۳۸۵.
۴۹. درویشی، سه تلانی، تهدیدات امنیت ملی، یک چارچوب نظری، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۰ و ۱۱، سال



- سوم، بهار و تابستان، ۱۳۷۴.
۵۰. ذاکریان، مهدی، اخلاق و روابط بین الملل، تهران، انتشارات امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۵۱. رمضان، روح الله، صدور انقلاب ایران، سیاست، اهداف و وسایل، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۵۲. رشید، احمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ترجمه حسین سیدی، تهران، دانشگاه تهران.
۵۳. روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۷۴.
۵۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق عدنان داودی، صفوان، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۵۵. ریوز، هویرت و دیگران، منشأ عالم، حیات، انسان و زبان، ترجمه جلال الدین رفیع فر، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۹.
۵۶. الزحیلی، رهبه، آثار الحرب فی الفقه الاسلام، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۲م.
۵۷. ستوده، محمد، ماهیت انسان و روابط بین الملل، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.